|  |
| --- |
| مقطع تحصیلی:کاردانی🞏کارشناسی🞎 رشته:.روابط عمومی...................ترم:...........سال تحصیلی: 1398- 1399  نام درس:...جامعه شناسی فرهنگی....... نام ونام خانوادگی مدرس:.......آزاده نجفی.....................................  آدرس emailمدرس:.................drnajafi.99. |
| جزوه درس:......جامعه شناسی فرهنگی.......... مربوط به هفته : اول🞎 دوم 🞎سوم🞎  text: دارد 🞎ندارد🞎 voice:دارد🞎 ندارد🞎 power point:دارد🞎 ندارد🞎  تلفن همراه مدیر گروه : ......................................09124058720......  **جلسه هشتم**  **\*** فرهنگ پذیری را تشریح کنید:  پدیده هایی است که حاصل تماس مستمر ومستقیم میان گروه هایی از افراد که در فرهنگ های مختلف وجود دارند و دگرگونی هایی را در حوزه الگوهای فرهنگی ایجاد خواهند کرد. حتی فرهنگ پذیری می تواند به تغییر فرایندهای مختلف فرهنگی اشاره داشته باشد.  **\*** تغییرات فرهنگی:  این مفهوم با فرهنگ پذیری نزدیک به نظر می رسد و معمولا در طول زمان اتفاق می افتد. متاسفانه بعضی از اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی آن را به معنی جابجایی فرهنگی به کار برده اند. که در تغییر فرهنگی معتقدیم از وضعی به وضع دیگر شدن است ولی نمی توانیم یک شبه همه چیز را تغییر دهیم بلکه به مرور زمان این تغییر اتفاق خواهد افتاد.  **\*** ویژگی های تغییر فرهنگی را بنویسید؟  فرهنگ ثابت ولی متغیر است. فرهنگ عام ولی خاص است. فرهنگ اجباری ولی اختیاری است. ازآنجا که میراث فرهنگی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود فرهنگ گذشته در زمان حال تداوم می یابد و همچنین اگر تغییر صورت بگیرد آرام و بطئی است. و به سادگی قابل درک نیست. پس فرهنگ ثابت به نظر می رسد. فرهنگ عامل به این دلیل در جوامع انسانی عمومیت دارد که نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی را در کلیه انسانها مشترک می بیند. مثل غذاخوردن که عام است ولی طریقه آن خاص است.  برخی وجوه فرهنگی در تمامی جوامع بشری، عمومیت ندارد و بستگی به شرایط اقلیمی و تاریخی دارد. و بر اساس زمان و مکانی که در آن هستند آن نوع رفتار را انجام می دهند. فرهنگ به این معنا اجباری است که فرد در میان آن به صورت دوسویه و متقابل قرار دارد . در وادی امر نشان داده می شود که اجباری است و حتی به صورت قهری از بدو تولد با آدمی است ولی در یک مرحله ای به صورت اختیاری در میآید که فرد نقش خود را موثر و فعال نشان می دهد.  **\*** شیوه های تغییر در فرهنگ:  1- نوآوری  2- فرهنگ پذیری  نوآوری: به این معنا که در زمینه مسائل مادی و معنوی تغییر یابد و سه دلیل عمده برای این تغییر می توان بررسی کرد:  1- گذشت زمان 2- مقتضیات زمانی و مکانی 3- افراد خلاق و مبتکر  فرهنگ پذیری: فرهنگ ها به صورت دوسویه، یکسویه، یکسویه اختیاری، یکسویه اجباری و ناآگاهانه صورت بگیرد.(تهاجم فرهنگی: یکسویه اجباری ناآگاهانه)است.  **\***دلایل به وجود آمدن نظریه های تغییر فرهنگی:  این نظریه ها برای جابه جاشدن و سهیم شدن در فرهنگ ارائه طریق می دهند. فرض اساسی این نظریه ها بر این است که زندگی برای مردم مهم است و موضوعاتی که برای مردم مهم است عبارتند از: چگونه با دیگران ارتباط برقرار کنند و چگونه دوست دارند سایرین با آنها ارتباط برقرار کنند بنابراین این نظریه به دنبال پاسخ دادن به این سوال است: چه کسی می خواهد رفتار کند و چه موقع؟ و اصلا چرا اینگونه رفتارها شکل می گیرد؟ به همین دلیل زمینه های تغییر فرهنگی به وجود می آید  انواع الگوهای فرهنگی و رفتاری:8 نوع  1- شیوه های قومی 2- رسوم اجتماعی 3- عرف اجتماعی 4- قوانین  5- ایستار 6- باورهای غالبی 7- ارزش ها 8- ایدئولوژی  1- شیوه های قومی: این واژه اولین بار توسط شخصی به نام سامنو به کار رفته است که جزو عادات رفتاری اکثر افراد یک جامعه است و بیشتر به صورت روزمره به کار می رود. ضمن اینکه این الگو در عین حالیکه مطلوبیت دارد ولی اجباری نیست.  2- رسوم اجتماعی: شیوه های متداول، اعتقادات و رفتارهای مربوط به انجام امور مهم هستند که از نسلی به نسل دیگر منتقل می شوند و نسبت به شیوه های قومی ملتزم ترند و عدم تبعیت از آن با فشار غیر رسمی همراه است.  3- عرف اجتماعی: این الگوی رفتاری برای حفظ سلامت اخلاقی فرد و جامعه به وجود آمده است و لازم تر از دو مورد قبلی است و معمولا رفتارهای اجباری یک جامعه را تشکیل می دهد. این الگوهای رفتاری با خیر فرد و جامعه قرین است و افراد جامعه یک احساس قوی نسبت به مرامات آن دارند.  4- قوانین: به منظور حفظ نظم و امنیت و تعادل در جامعه به صورت مقررات وعظ شده است و ضمانت اجرایی دارد.  5- ایستار: در معنای جامعه شناسی موضع گیری نسبت به چیزی است که بازتاب اجتماعی دارد. این چیز ممکن است یک شخص، یک سنخ اجتماعی یا یک گروه یا یک صورت پنهانی از رفتار باشد.  6- باورهای غالبی: تصوراتی هستند کلی و بدون انعطاف که در ذهن انسان جای می گیرند و در قضاوت ها مورد استفاده واقع می شوند.  7- ارزش ها: هرچند ارزش به عنوان یک مفهوم اجتماعی دارای معانی و تعابیر مختلفی است. لیکن می توان تعریفی کلی را از آن ارائه کرد که ارزشها عبارت است از: تفکرات و احساسات عمیق و ریشه داری که به رفتار جمیع افراد، متعلق به یک فرهنگ الهام و معنابخش می باشد. این تفکرات و احساسات معیار قضاوت برای تشخیص اهمیت و قدر افراد و حتی مطلوبیت رفتارها و اشیاء فرهنگی است.  8- ایدئولوژی: به عنوان الگوی ذهنی رفتار، تا کنون تعاریف متنوع و گوناگونی از آن ارائه شده است. به عنوان مثال عده ای ایدئولوژی را اینگونه تعریف می کنند: ایدئولوژی، سیستمی از افکار و قضاوت ها به منظور بیان توجیه و تفسیر موقعیت یک گروه یا جمع است. سه نوع است:  1- ایدئولوژی که صریح و مدون است. نسبتا منظم و سازمان یافته است.  2- ایدئولوژی تا حد زیادی از ارزش ها تاثیر می پذیرد.  3- ایدئولوژی کارکردی القایی دارد(تلقین پذیر) |